

روایت دانش‌بنیان‌های شیرازی که ۱۱۸ کل ایران را دست گرفتند

# اینجا شیراز است

## کار همزمان با تحصیل



سیروس محمودی هستم، سال ۱۹۰۱۳۷۵ ساله بودم که فوق دیپلم کامپیوتر قبول شدم. لیسانس نرم افزار و فوق لیسانس فناوری اطلاعات هم خواندم. از ترم دوم، سوم کارشناسی هم رفتم سرکار. آنجا که می‌رفتیم حقوق نمی‌گرفتیم چون رشته‌ای که ما داریم، بیشتر از آن چیزی که علم‌اش اهمیت داشته باشد، تجربه‌اش ارزش دارد. نه اینکه علم مهم نیست، مهم است؛ ولی بالاتر از این علم، تجربه‌ای است که کسب می‌کنی. من از سال ۷۶ رفتم بایکی دوتا شرکت صحبت کردم و وارد آنجا شدم. بیشتر از اینکه بروم سر کلاس، می‌رفتم سر کار. همان زمان که در این شرکت خصوصی مشغول بودم، یکی از استادان من را معرفی کرد به کارخانه زیمنس که در خیابان فضیلت (شیراز) است. گفت: «آنجا یک مشکلی دارند، شما برو بین ما این توضیحاتی که اینجا سر کلاس دادی، می‌توانی کمک‌شان کنی.» من رفتم آنجا و دیگر بیرون نیامدم، نگاه‌ام داشتند. یکی دو هفته آنجا کار کردم، دیدم مثل اینکه مایک کارهای دیگر هم می‌توانیم انجام دهیم. دیگر نگذاشتند بروم و من همزمان که دانشجوی بودم، مشغول به کار نیز شدم.

